

عجایب هفتگانه

شگفتی‌های
دنیا قديمه





معرفی کتاب

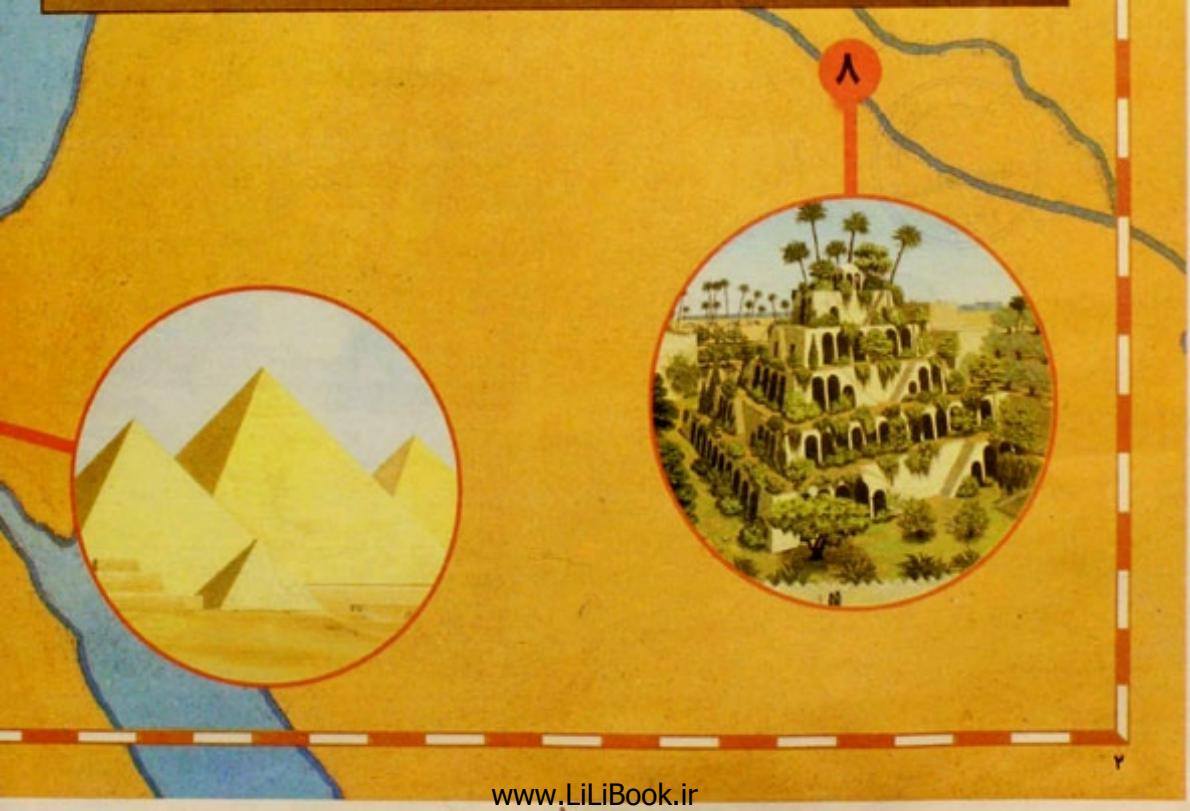
شده بودند؛ جایی که نویسنده‌گان یوتنان باستان بخوبی آن را می‌شناختند و بعضاً حتی به آنجا سفر کرده بودند. در آن دوران مسافت به مناطق دورتر کاری دشوار بود.

احتمالاً این فهرست نوعی دفترچه راهنمای مسافران بوده است. اگر چه همه عجایب هفتگانه به جز اهرام مصر اکنون نابود شده‌اند، اما فهرست مذکور همچنان باقی مانده است؛ تا شما نیز با عجایب هفتگانه دنیا قدیم آشنا شوید.

بیش از ۲۰۰۰ سال پیش، برخی از نویسنده‌گان فهرستی تهیه کردند که حاوی نام و ویژگی‌های ساختمان‌ها و بناهای شگفت‌انگیز آن دوران بود. این نویسنده‌گان یا خودشان این عجایب را دیده بودند و یا از دیگران چیزهایی شنیده بودند. در حدود ۱۲۰ سال قبل از میلاد مسیح، شاعری یونانی از شهر سیدون، برای نخستین بار از هفت بنای شگفت‌انگیز سخن به میان آورد. همه این بناهای در منطقه کوچکی در شرق مدیترانه واقع

فهرست

۲۰	آرامگاهی در هالیکارناسوس	۴	هرم بزرگ در مصر
۲۴	مجسمه کلوسوس از رودوس	۸	باغ‌های معلق بابل
۲۸	فلوس اسکندریه در جزیره قاروس	۱۲	معبد آرتیمس در افسوس
۳۲	فهرست راهنمای و ازهـنامه	۱۶	مجسمه زنوس در المپیا





٤

٢٨

هرم بزرگ در مصر

ساختمان هرم

هرم‌ها در گورستانی قدیمی در جیزه واقع شده‌اند. شهر قاهره پایتخت امروزی مصر، در یک ساحل رودخانه نیل و اهرام در ساحل دیگر رودخانه قرار دارند. گروهی از باستان شناسان عقیده دارند که ۱۰۰۰۰ کارگر بمدت ۲۰ سال کار کردند. تا هرم بزرگ ساخته شده است. در ساختمان هرم بیش از ۲ میلیون قطعه سنگ به کار رفته است. که هر قطعه ۲/۵ تن یا بیشتر وزن دارد. کارگران قطعه سنگ‌ها را به کمک گلتک‌ها، اهرام و برخی ابزارهای ابتدایی از سربالایی‌ها به بالای هرم کشانیدند. سپس قطعه سنگ‌ها را بدون استفاده از هر ملاتی (مثل آگج یا سیمان) در کنار یکدیگر قرار دادند.

هرم غول پیکر مصر از قدیمی‌ترین عجایب هفتگانه دنیاًی قدیم است. البته این تنها بنایی است که در میان عجایب هفتگانه تا به امروز باقی مانده است.

زمانی که این هرم ساخته شد، بلندترین ساختمان دنیا بود و احتمالاً این رتبه را به مدت ۴۰۰۰ سال حفظ کرد.

مقبره سلطنتی

پادشاهان مصر باستان را فراعنه یا فرعون می‌نامیدند. یکی از این پادشاهان خوفو بود. در حدود ۲۵۸۰ سال قبل از میلاد مسیح این هرم بزرگ را به عنوان محل دفن یا مقبره خوفو ساختند. خوفو همان فرعونی است که یونانی‌ها او را خثوپس می‌نامیدند. پس از مدتی دو دیگر در منطقه جیزه برای پسر و نوه خوفو ساخت. البته چند هرم کوچکتر نیز برای ملکه‌های فراعنه بر. هرم خوفو بزرگترین هرم است و در این تصویر از همه دورتر دیده می‌شود. هرم وسطی متعلق به پسر خوفو است و چون روی زمینی بلندتر قرار دارد، از همه بزرگ‌تر به نظر می‌رسد.



سنگ‌های آهکی تراشیده شده

فرعون به خاک سپرده می‌شود
مصریان قدیم می‌پنداشتند که وقتی کسی
می‌میرد، باید از بدن او نگهداری کرد تا روحش
بتواند به زندگی پس از مرگ ادامه دهد. از همین
رو اندام‌های داخلی مردگان مانند قلب، کلیه،
کبد، روده، معز و... را از بدن خارج می‌کردند و
آن را با روشی مخصوص به نمک آغشته
می‌ساختند. سپس بدن را با پارچه‌های
کتانی نوارپیچ می‌کردند. به این ترتیب بدن
مرده مومیایی می‌شد. عاقبت جسد مومیایی
شده را همراه لباس، غذا، جواهرات و دیگر
لوازمی که فکر می‌کردند برای زندگی پس
از مرگ لازم است، دفن می‌کردند. بدن
مومیایی شده خوفو در صندق‌چهای در
اعماق هرم برای همیشه به خاک سپرده
شده بود.

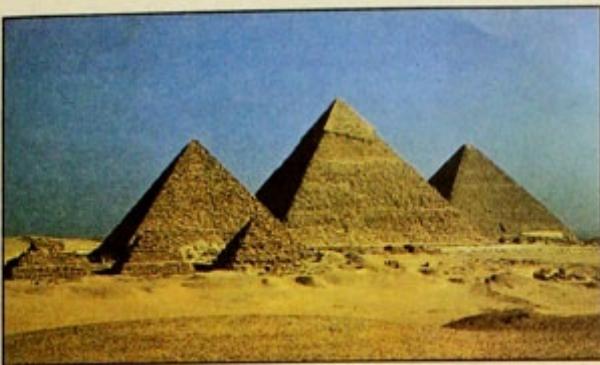


هنگامی که ساختمان اولیه هرم پایان یافت، شبیه به
مجموعه‌ای از پله‌ها بود. این پله‌ها را با سنگ‌های
آهکی تراشیده شده پر کردند. سنگ‌های آهکی را
قبل از صیقلی کرده بودند چنان که بعد
از قرار گرفتن آنها کنار یکدیگر حتی یک لبه
چاقوی تیز شده نیز نمی‌توانست در بین
سنگ‌ها فرو رود. دقیقی که مهندسین اهرام
در جفت کردن سنگ‌ها کنار یکدیگر
داشته‌اند، واقعاً شگفت‌آور است.

در پایان کار، ارتفاع هرم بزرگ به ۱۴۷ متر
رسید؛ گرچه قسمت فوقانی هرم اکنون از
بین رفته و ارتفاع آن کمتر شده است.
به علاوه فقط بخش‌هایی از بالای
هرم پسر خوفو همچنان
سنگ‌های صیقلی خود را
حفظ کرده است.

خوفو مقبره‌ای با عظمت را برای خود تدارک دیده
بود، تا همیشه در یادها باقی بماند؛ اما تنها تصویری
که اکنون از او باقی مانده یک مجسمه ساییده شده
شیری رنگ از جنس عاج است.

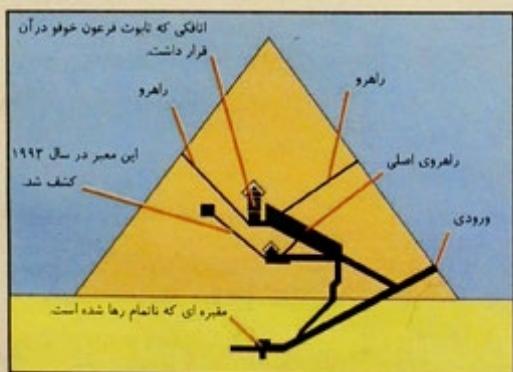
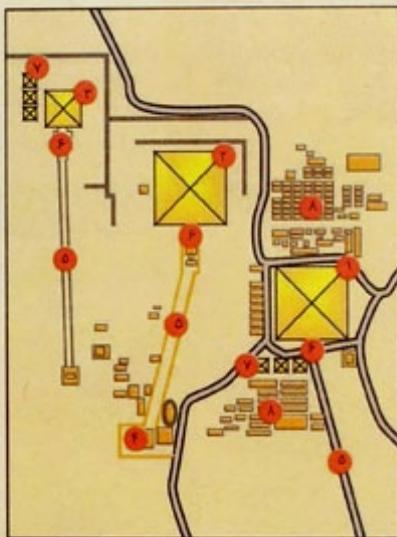
بال هرم بزرگ ۲۳۰ متر است و
مساحت قاعدة آن بزرگتر از
مساحت ۹ زمین فوتیال است.



انجع امروزه از هرم باقی مانده.
صدها سال پیش سنگ‌های براق اهرام را برای ساخت و ساز در قاهره مصرف کردند.

نقشه اهرام

- (۱) مقبره خوفو
- (۲) هرم پسر خوفو مشهور به کفرع
- (۳) هرم نوہ خوفو مشهور به منقرع
- (۴) پرستشگاه هرم؛ جایی که احتمالاً جسد فرعون در آن مومبایی شده است.
- (۵) یک راهروی طولانی
- (۶) معبدی که در آن ایران برای فرعون قربانی می‌کردند و با نذرهاشان را به روح فرعون هدیه می‌نمودند.
- (۷) هرم‌هایی که به ملکه‌های فرعونی اختصاص دارد.
- (۸) آرامگاه سایر درباریان و بستگان فرعون



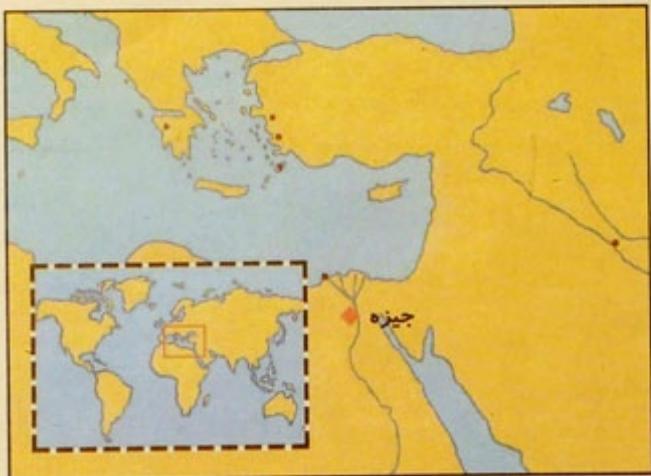
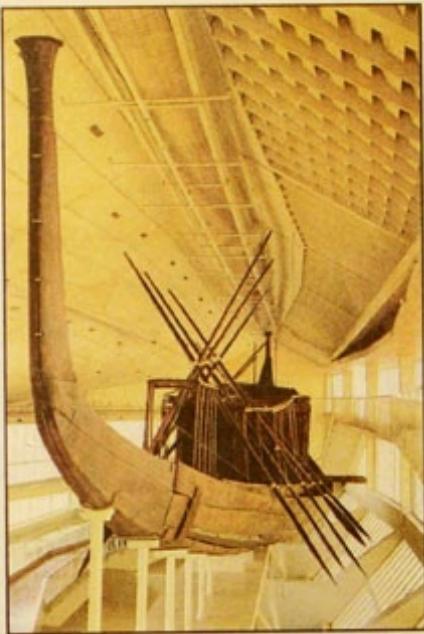
درون و زیر هرم بزرگ، راهروهایی تعبیه شده است که به آرامگاه مردگان راه دارد. یکی از این گذرگاهها به تابوت فرعون متوجه می‌شود.



مجسمه‌ای از فرعونی بنام منقرع.
لو نوہ خوفو بود و فرعون سوم نامیده می‌شد. دو الهه در
دو سوی فرعون قرار دارند.

تصویر فرعونی بنام خفرع
که پسر خوفو بود. در این
مجسمه او در بناء بُنی بنام
هوراس قرار دارد.
هوراس یکی از خدایان
اساطیری مصر است که
مجسمه آن را به صورت باز یا
شاهین می‌ساختند و او را خدای
خورشید می‌پندشتند.



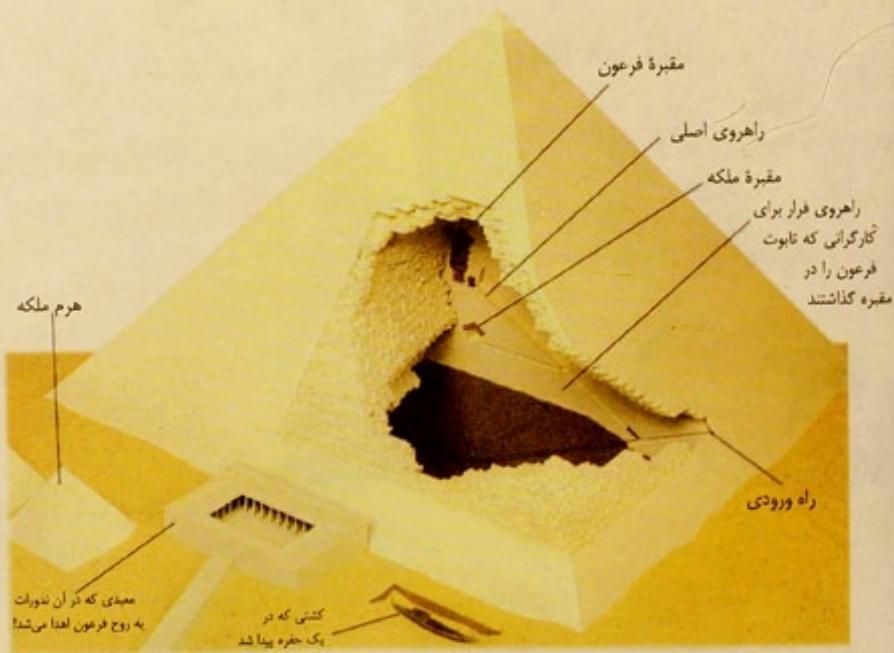


این قایق چوبی کوچک در گودالی نزدیک هرم بزرگ
پیدا شده است. اکنون این قایق را یعنی از بازسازی در
موزه به تماشای عموم قرار داده‌اند. احتمالاً این قایق را
همزمان دفن کرده‌اند تا بدنش فرعون بتواند از دود نیل
بگذرد. شاید هم یک کشتی آسمانی بوده است و روح
فرعون را به پیشتر رسانیده است!

آرامگاهی از سنگ
سیاه گرانیتی یا
تابوت سنگی خوفو،
که شاید تابوت
چوبی محتوی بدن
فرعون داخل آن
بوده است.



هرم از لایه‌هایی سنگی
ساخته شده است. هر
لایه‌اندکی کوچک‌تر از
لایه قبلی است. این
قطعات سطح وسیعی را
به وجود آورده‌اند که به این
ترتیب بالاتر از سطح
زمین قرار گرفته است.
قطعه سنگها را از روی
یک سطح شیبدار به
بالای هرم کشیده‌اند و
بس از اتمام هر لایه،
سطح شیبدار را مرتفع تر
کرده‌اند.



باغ‌های معلق بابل

باغ‌های معلق یکی از بنایهای برجسته و معروف شهر قدیمی بابل است. باستان‌شناسان ویرانه‌های را یافته‌اند که ممکن است آثار این باغ‌ها باشد ولی مطمئن نیستند.

برای یک شاهزاده ایرانی (بحث‌النصر و سیرابس)

نویسنده‌گان روم و یونان قدیم چنین نوشتند که، ۶۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، به فرمان بخت النصر دوم، پادشاه بابل، این باغ‌ها را ساخته‌اند. شهر بابل زمانی در کناره رود فرات قرار داشت. امروره محل این شهر در جنوب بغداد، پایتخت کشور عراق است. بر اساس یک داستان مشهور، پادشاه این باغ‌ها را برای همسر جوان و اندوه‌گینش ساخته است ظاهرًا آمیتیس (سمیرامیس) ایرانی بوده و پادشاه تصمیم داشته با این باغ‌ها، خاطره کوه‌های سرسیز زادگاهش ایران را در خاطر او زنده کند تا شاهزاده ایرانی دوباره شادمان شود.

آیاری

باغ‌های معلق احتمالاً نزدیک رودخانه و مشرف به دیوارهای شهر بابل ساخته شده بودند. باغ‌ها از بالکن‌هایی درست شده بودند که بلندترین آنها ۴۰ متر بالاتر از سطح زمین قرار داشت. بخت النصر فرمان داده بود تا هر گیاهی را که به ذهن می‌رسد، در این باغ‌ها بکارند. این گیاهان و درختان را با گاری و کشتنی از سرتاسر امپراطوری گرد آورده بودند. احتمالاً درختان انجیر، بادام، انصار، و بوته‌های گل سرخ، نیلوفرآبی و بسیاری گل‌های خوشبوی دیگر از جمله گیاهان موجود در باغ‌ها بوده‌اند. بی شک احداث چنین باغی به آیاری فراوان و مناسب نیاز داشته است. از همین رو از آب رودخانه فرات استفاده می‌کرده‌اند. آب این رودخانه با زنجیره‌ای از سطل‌هایی که به طناب بسته شده بودند، توسط پرده‌گان به بالای برج‌ها کشیده می‌شد. سپس در سراسر باغ‌ها جریان می‌یافتد. طراحی باغ‌ها به تحوی بود که آب‌ها از بالاترین نقطه بصورت آبشارها و نهرها در سراسر باغ حاری می‌شوند و در طول مسیر، خاک و گیاهان باغ را آیاری می‌کرد.



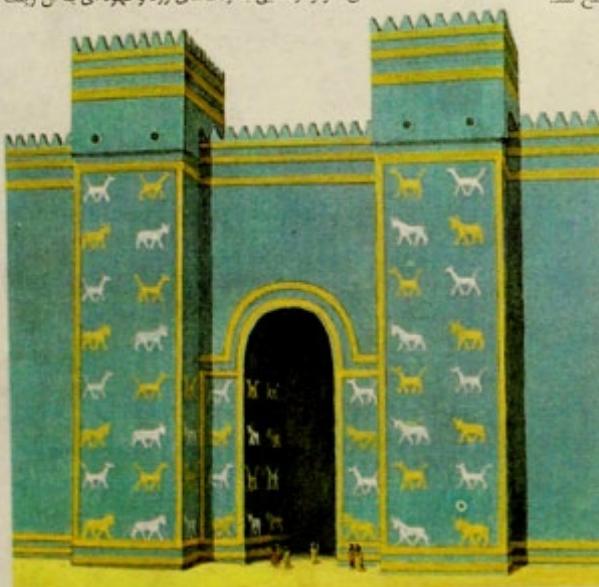
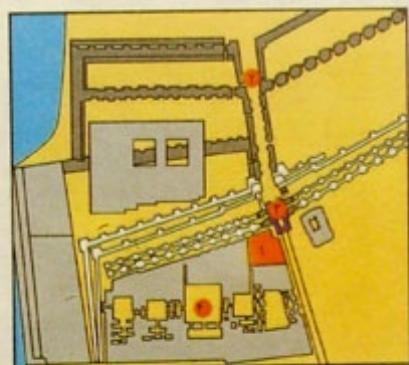




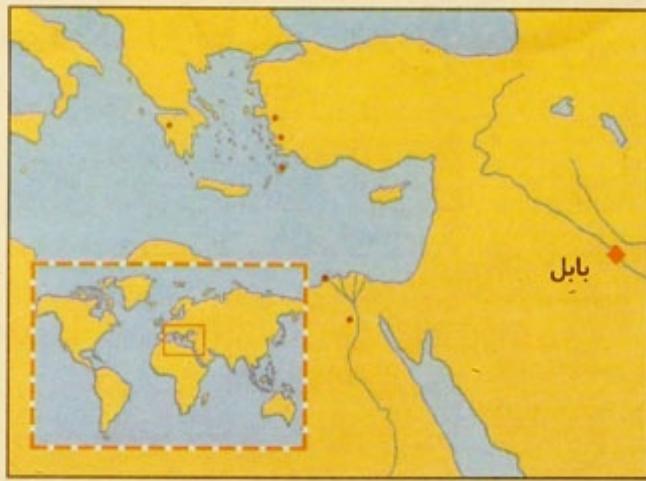
دیوارهای سازان در اوایل قرن بیستم به کاوش در خواههای شهر بابل پرداختند. شهر جان در خاک مدفون شده است که بازسازی ساختمان‌ها به راحتی امکان‌بیز نیست.

نقشه شهر بابل

- (۱) جایی که احتمالاً باغ‌های معلق در آن قرار داشته‌اند.
- (۲) خیابان و گذرگاه عمومی
- (۳) دروازه ایشتار
- (۴) کاخ بخت‌النصر که باید دیوارهایی بزرگ مخالفت می‌شد.
- (۵) جالب است بدانید که اندکی پس از سلطنت بخت‌النصر، شهر بابل توسط ایرانیان فتح شد.



در این لوحة سنگی فهرستی از کیاهان یک باغ سلطنتی قدیمی ذکر شده است. کیاهان ملاوه بر کاربرد تزئینی به عنوان منبع غذایی و دارویی مورد توجه قرار داشتند.



این مجسمه شگفت‌الگیر
با کله شیر احتمالاً
مردوح خدای اصلی
بابیلان است.
بابیلان قدیم هر
سال به افتخار
این بت
جنسی را
بر با می‌داشتند.



در این تصویر لوحه‌ای را می‌بینید که نقشه جهان را نشان می‌دهد؛ البته آنکونه که بابلی‌های قدیم جهان را می‌شناختند. بابلی‌ها ۵۰۰۰ سال پیش شهرنشینی را شروع کردند. امپراتوری این شهرنشینیان اولیه تقریباً ۴۰۰۰ سال پیش به اوج شکوفایی و قدرت دست یافت.

تصویر شیرهایی که در راهروی دروازه ایشتار نقاشی و کنده‌کاری شده‌اند. در جشن آغاز سال تو بابلی‌ها در حالیکه مجسمه بت‌هایشان را حمل می‌کردند از طریق این راهرو به برستشگاه مردوح می‌رفتند.



معبد آرتمیس در افسوس



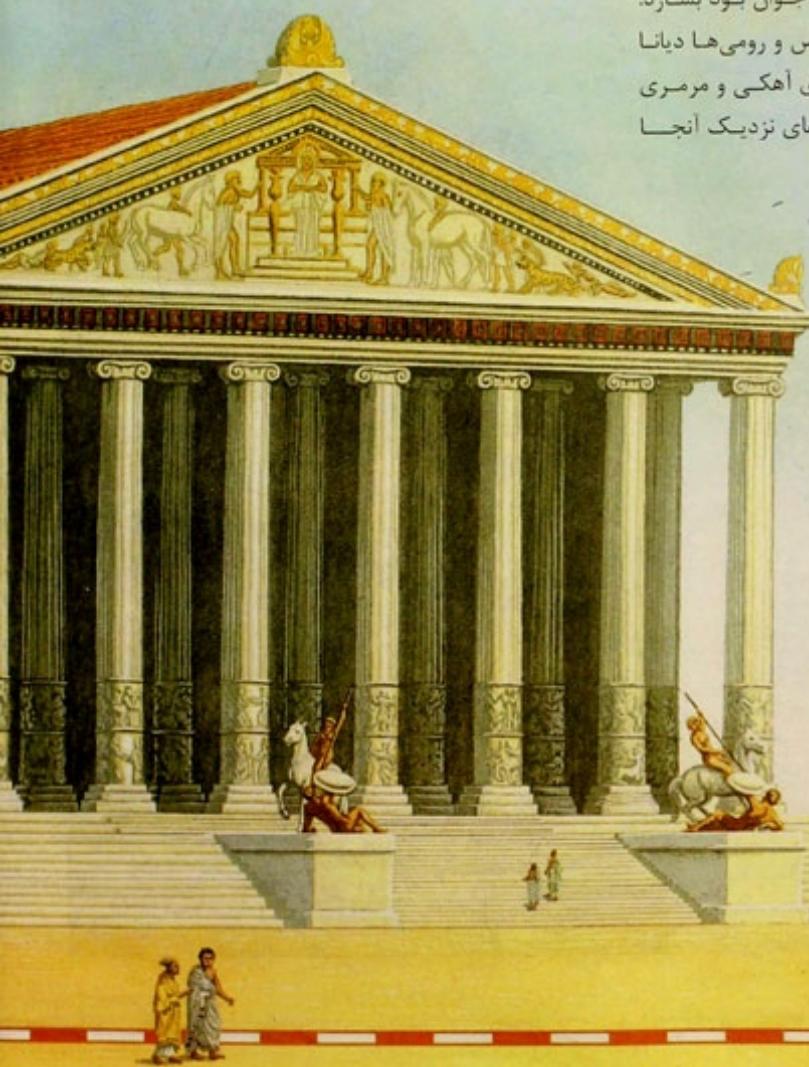
سکمای که در قرن سوم میلادی در افسوس ضرب شده بود، طرح روی سکه شکل معبد را نشان می‌دهد.

کرزوس آخرین پادشاه لیدیه بود. لیدیه ناحیه‌ای از آسیای صغیر بود که امروزه بخشی از ترکیه است.

کرزوس به خاطر تروت هنگفتش مشهور بود. او در سال ۵۶۰ قبل از میلاد مسح یک برستشگاه با شکوه در شهر افسوس بنا کرد. شهر افسوس هزاران سال پیش از این تاریخ تأسیس شده بود. براساس یک افسانه قدیمی، این شهر را عده‌ای از زنان جنگجو (مشهور به آمازونی) بنا کرده بودند.

بزرگترین معبد مرمرین

کرزوس تصمیم گرفت معبد را به افتخار الهه ماد که نگهبان حیوانات و زنان جوان بود بسازد. یونانی‌ها این الهه را آرتمیس و رومی‌ها دیانا می‌نامند. معبد را از سنگ‌های آهکی و مرمری ساختند که از معادن تپه‌های نزدیک آنجا استخراج شده بود.



هروستراتوس و الکساندر

دویست سال بعد یعنی در سال ۳۵۶ قبل از میلاد معبد در یک آتش‌سوزی به تلی از خاک تبدیل شد. مردی بنام هروستراتوس برای کسب شهرت معبد را آتش زد و اگر چه جان خود را از دست داد اما کاملاً به هدفش رسید!

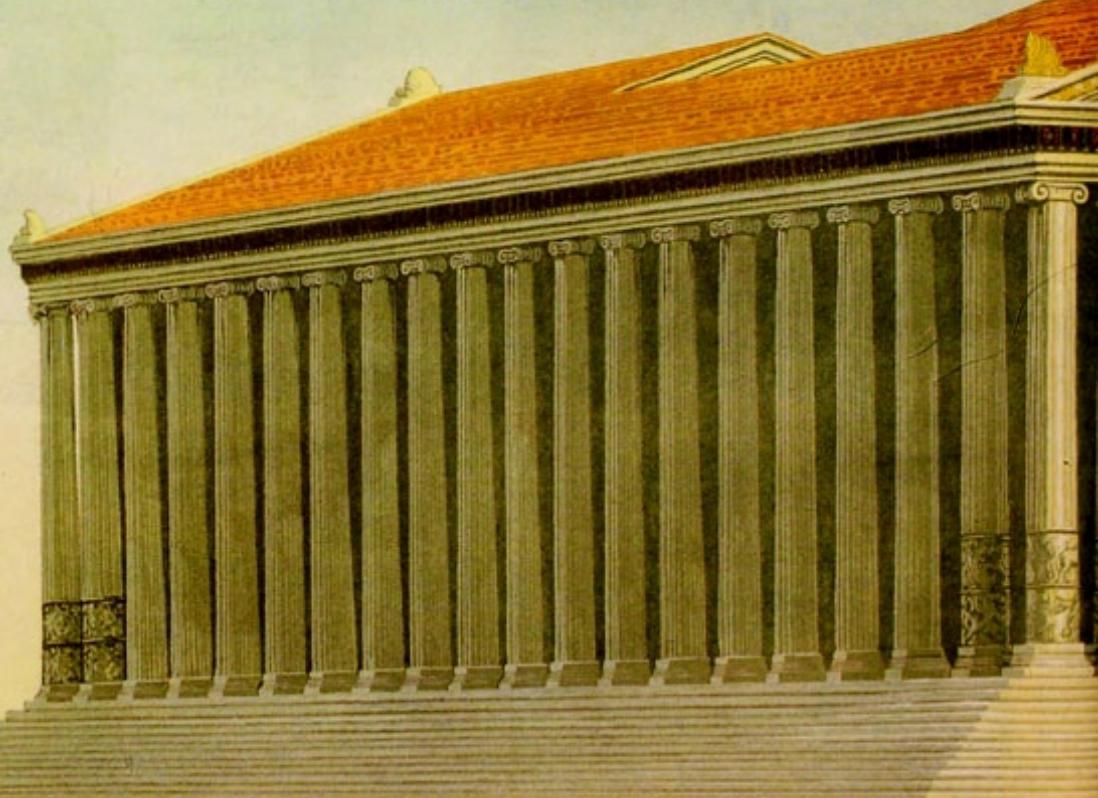
شگفت‌آور آنکه اسکندر کبیر در همان روز ویرانی معبد از مادرزاده شد. سال‌ها بعد که اسکندر معبد ویران شده را دید، دستور داد تا معبد را در همان جا دوباره بسازند.

معبد کاملاً ویران شد

معبدی که اسکندر ساخته بود تا ۳۰۰ سال پس از میلاد مسیح پا بر جا بود. اما بتدریج شکوه و عظمت شهر افسوس از میان رفت و اهمیت خود را از دست داد. عاقبت برخی اقوام اروپایی (گوتیک‌ها) معبد را غارت کردند و سیلی ویرانگر معبد را در گل و لای مدفون کرد. تنها چیزی که از معبد باقی مانده است چند قطعه از پی ستون‌ها و یک ستون بازسازی شده است.

زمین این پرستشگاه ۱۳۰ متر طول و ۷۹ متر عرض داشت. ساختمان اصلی معبد به ۱۲۰ ستون مرمرین تکیه کرده بود. بلندی هرستون ۲۰ متر بود. این ستون‌های بزرگ را توسط قرقره‌ها بالا کشیده و با میخ‌هایی فلزی در جای خود نصب کرده بودند. بعد از اینکه سقف ساخته شد هنرمندان، پرستشگاه را با مجسمه‌هایی زیبا تزئین کردند. مجسمه‌ای از آرتمیس نیز در وسط معبد قرار گرفته بود. این پرستشگاه یکی از بزرگ‌ترین معابد تمدن‌های یونان و روم باستان بود که حتی از معبد پارثون هم بزرگ‌تر بود.

پارثون معبدی عظیم بود که بین سال‌های ۴۴۷ و ۴۳۲ قبل از میلاد در تپه‌های آکروپولیس در شهر آتن ساخته شده و به آتنا اهدا شده بود.



مجسمه از آرتمیس در
اندازه واقعی آن، که در
تپه های شهر باستانی افسوس
پیدا شده است. این بت را در
شهر افسوس به عنوان خدای
اصلی می پرستیدند.

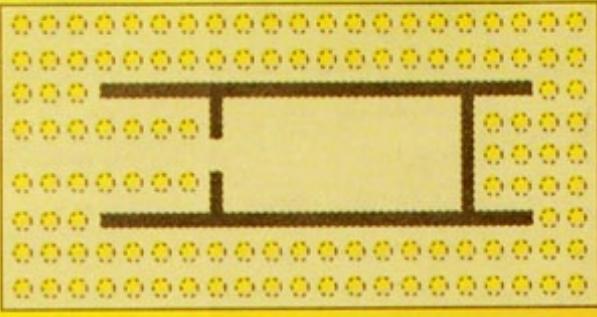


کنده کاری روی یکی از ستون های معبد.
زیبایی این معبد مسافران را از گوش و کنار
منطقه مدیرانه به سوی خود جلب می کرد.

مجسمه های کوچک از جنس عاج
متعلق به آرتمیس که قدامت آن
به ۲۷۰۰ سال قبل می رسد.

بسیاری از بازدیدکنندگان معبد
هدایایی را (مثل مجسمه ای
کوچک از الهه آرتمیس)، که
صنعتگران محلی ساخته بودند،
می خریدند و به عنوان سوغاتی
به شهر خود می بردند.



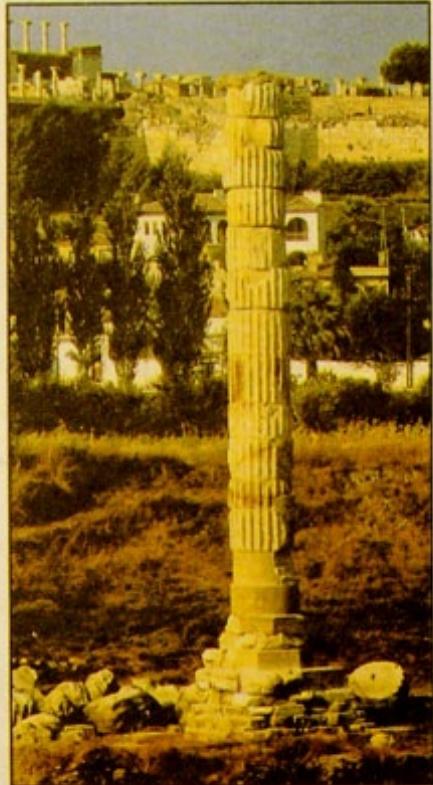


- دراین نقشه ستون‌های نگه-
دارنده معبد و محوطه بزرگی که
مجسمه الهه آرتیمس در آنجا
قرار داشت، دیده می‌شود.

این مجسمه گوزن در محل معبد
بیدا شد. ظاهراً این گوزن به
آرتیمس هدیه شده بود. براساس
پندراه‌های قدیمی، کالسکه آرتیمس را
گوزن‌های سفیدی با شاخ‌های
طلایی به دنبال خود می‌کشیدند.



کاهن آرتیمس، وقتی بولس مقدس به
افسوس رسید، مردم را به دین مسیح
فرماخواند. اما کاهنان و سنتگران شهر
با او مقابله کردند، زیرا مواعظه‌های
بولس، موقعیت اجتماعی و ثروت آنها
را به خطر می‌انداخت.



نهایتی از معبد که امروز یا بر جاست. این ستون
را از ویرانه‌های معبد در چند سال اخیر بازسازی
کرده‌اند. البته دراین مکان بقایای دیگری از شهری
که زمانی با شکوه بوده است، بر جای مانده است.
ویرانه‌های یک سالن تئاتر، یک کتابخانه، حمام و
ساختمان‌های عمومی دیگر از این جمله‌اند.



مجسمه زئوس در المپیا

جلوس بر تخت

زئوس بر تختی آینوس نشان با سنگ‌های قیمتی نشسته بود. بالاترین نقطه مجسمه ۱۳ متر ارتفاع داشت که تقریباً نزدیک به سقف معبد بود. بینندگان جنان می‌بیندند که اگر زئوس بلند شود، سقف را از جای خود تکان خواهد داد. بر روی دیوارها سکوهایی ساخته شده بود تا مردم بتوانند بالا بروند و صورت مجسمه را ببینند. تقریباً ۲۴۴ سال پیش کار مجسمه کامل شد و به مدت ۸۰۰ سال به عنوان یکی از شگفت‌آورترین بنای‌های جهان شناخته می‌شد.

انتقال مجسمه

تقریباً ۴۰ سال پس از تولد حضرت مسیح، یکی از امپراطوران رومی به نام کالیکولا تصمیم گرفت مجسمه زئوس را به روم ببرد. گروهی از کارگران رومی برای این کار مأمور شدند؛ اما براساس یک افسانه، زئوس قوهای بلند سرداد و کارگران از ترس پا به فرار گذاشتند.

با گسترش دین مسیح در سال ۳۹۱ بعد از میلاد، رومیان بازی‌های المپیک را تحریر کردند و معبد یونانی را تعطیل نمودند. سال‌ها بعد مجسمه زئوس را با کشتی به قسطنطینیه برند. در سال ۴۶۲ میلادی قصری که مجسمه در آن بود با آتش ویران شد و چیزی از آن باقی نماند. تقریباً ۱۴۰۰ سال قبل زلزله هایی تمام سرزمین المپیا را لرزانید و ویران کرد. همچنین سیل و ریزش زمین باعث نایودی کامل معبد و ورزشگاه شد. چندانکه عاقبت همه بنا در گل‌ولای فرو رفت. البته گل‌ولای باعث شد که قسمت‌هایی از شهر المپیا از گزند حوادث در امان بماند و پس از چند صد سال دوباره مورد کاوش قرار گردید. در سال‌های اخیر باستان‌شناسان برخی از اماکن شهر را باکسازی کردند. اکنون بازدیدکنندگان می‌توانند در اطراف ویرانهای معبد قدم بزنند و جایگاهی را که زمانی مجسمه باشکوه زئوس قرار داشت، ببینند. البته مجسمه زئوس برای همیشه نابود شده است و چیزی از آن در دست نیست.

تقریباً ۳۰۰ سال پیش المپیا مرکز مذهبی در جنوب غربی یونان بود. یونانیان باستان زئوس پادشاه خدایان را می‌پرستیدند. و در زمان‌های مختلف به افتخار او جشن‌هایی بر پا می‌کردند. در این جشن‌ها مسابقات ورزشی هم انجام می‌شد. تا آنجا که در تاریخ ثبت شده، نخستین بازی‌های المپیک حدود ۲۸۰۰ سال قبل برگزار شده است. به مدت ۱۱۰۰ سال بازی‌ها هر سال انجام می‌شد. آنگاه برگزاری مسابقات به چهارسال یک بار کاوش یافت. از نظر ساکنان دنیا قدمی این بازی‌ها خیلی مهم بودند؛ چندانکه در زمان برگزاری مسابقات جنگ‌ها متوقف می‌شد تا شرکت کنندگان و تماشاگران بتوانند به آسانی خود را به محل مسابقات برسانند.

معبد زئوس

۲۵۰ سال قبل، شهر وندان المپیا تصمیم گرفتند معبدی برای زئوس بسازند. ساختمان باشکوه این معبد بین سالهای ۴۵۶ تا ۴۶۶ قبل از میلاد بنا شد. این بنا با قالب‌های سنگی بزرگی که ستون‌های توپر و بزرگی آنها را احاطه کرده بودند، ساخته شده بود. تاجند سال پیش از پایان کار ساختمان معبد، مجسمه مناسبی از زئوس در آن نبود. به همین دلیل مجسمه‌سازی ماهر از آن را برای ساختن مجسمه زئوس انتخاب کردند.

ساختمان مجسمه

مجسمه ساز فدیاس بود که قبلاً نیز مجسمه‌هایی با شکوه از الهه آتنا ساخته بود. فدیاس و کارگرانش در ابتدا داریستی چوبی را بعنوان اسکلت مجسمه برپا کردند. سپس اسکلت چوبی را با صفحاتی از عاج به عنوان پوست آن پوشانیدند و صفحاتی از طلا را برای لباس‌های آن استفاده کردند. در پایان کار همه جای مجسمه یوشیده شده بود و آن قالب توخالی به مجسمه‌ای توبیر شبیه شده بود.

حلقه رومی را که در بالا می‌بینید از سنگی قیمعی بنام کارنیان درست شده است. بر روی این حلقة تصویری از مجسمه زئوس در داخل معبد فلمکاری شده است.







شهر المیا در استان الیس یونان باستان قرار داشت. تصویر بالا متعلق به سکه‌های از الیس است که مجسمه زئوس در پشت آن دیده می‌شود.



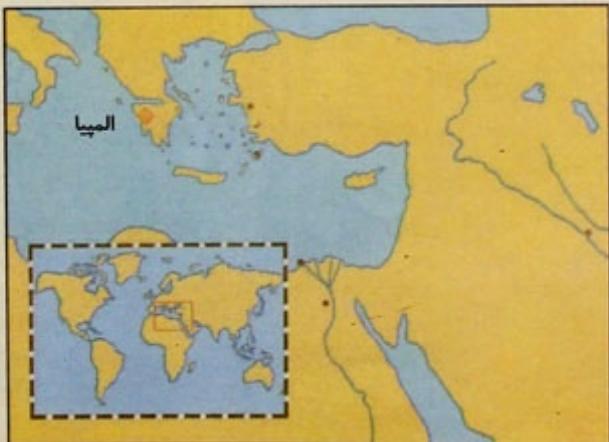
از معبد باشکوه زئوس، اکنون فقط این خرابه‌ها باقی مانده است. محل پرستشگاه در سال‌های اخیر مورد حفاری قرار گرفته است.



در سالهای اخیر (۱۹۵۸ میلادی) کاوشگران توانتند برخی ابزارهای صنعتی برنزی را در نزدیکی کارگاه فیدیاس پیدا کنند. آنها همچنین قطعاتی از عاج فیل، فلز و شیشه را نیز یافته‌اند.



تکه‌ای از یک لوحة قدیمی که از داخل معبد زئوس پس از حفاری اکتشاف شده است. این لوحة تقریباً ۲۵۰۰ سال قبل کنده کاری شده بوده است.



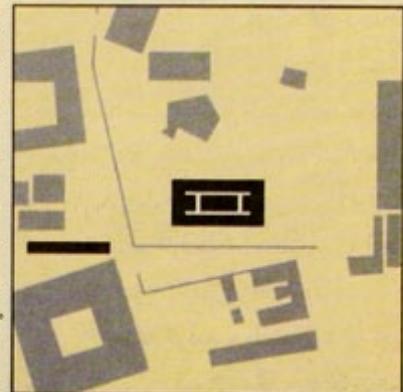
باستان شناسان پس از
اکتشافات، چنین طرحی را از
معبد زئوس پیشنهاد کردند.
در اطراف معبد ۲۴ ستون
بسیار بزرگ قرار داشته است.
قطر هر یک از ستون‌ها بیشتر
از ۲ متر بوده است. سقف معبد
از کاشی‌های مرمرین ساخته
شده بود.



آن تصویر یک قالب سنالی قرمز
رنگ است. مجسمه‌سازان برای
تکمیل جزئیات لباس‌های
مجسمه از این قالب استفاده
می‌کردند. آنها طلازی
منابع را در داخل قالب
می‌ریختند تا مجسمه کامل
شود. این قطعه در سال ۱۹۵۸
میلادی کشف شد و
اکنون در موزه
المپیا نگهداری
می‌شود.



نقشه‌ای که باستان شناسان
پس از انجام کاوش و حفاری
در المپیا از آن کشیده‌اند.
برخی از ورزشگاه‌های اصلی
المپیا که باستان شناسان
آنها را بازسازی کرده‌اند.
قابل مشاهده است.
تصویر پرزنگ در
وسط این شکل
متعلق به معبد زئوس
است. تصویر پرزنگ
کناری نیز متعلق به
کارگاه فیدیاس مجسمه‌ساز است.



چنین اوجه‌هایی بر روی
سراسر دیوارهای معبد قرار
داشته است. بر روی اوجه
تصویری از ۱۲ خدمتکار
هرکول دیده می‌شود. در این
لوحة آتنا و هرکول که هردو
فرزندان زئوس بوده‌اند،
مشاهده می‌شوند. هرکول در
وسط تصویر، چهان را بر روی
شانه‌های خود نهاده است.
سومین تصویر این اوجه
متعلق به اطلس است که
سبیلهای طلازی را در دست
دارد و به هرکول اهدا می‌کند.

آرامگاهی در هالیکارناسوس

تاج ساختمان ۴۳ متر بالاتر از سطح زمین بود و روی آن مجسمه‌ای از اسب‌هایی که یک کالسکه را می‌کشیدند، قرار داشت. احتمالاً در این کالسکه مجسمه‌هایی از شاه و ملکه‌اش قرار داشته است.

زلزله ویرانگر

پس از ۱۸۰۰ سال، زلزله‌ای وحشتناک، ساختمان موزولوم را با خاک یکسان کرد. تقریباً ۵۰۰ سال قبل، شوالیه‌های سن جان سنگ‌های موزولوم را برای ساختن قلعه‌ای در همان نزدیکی به کار برداشتند. حتی

بعضی از دیوارهای قلعه با سنگ‌های سبزی که موزولوم را زینت داده بود، ساخته بودند. سال‌ها بعد شوالیه‌ها محل دفن پادشاه موزولوس و ملکه آرتمیسیا را کشف کردند. اما شبانگاه که آرامگاه را بدون نگهبان رها کرده بودند، دزدان حمله کردند و طلاها و سایر چیزهای قیمتی مقبره را غارت نمودند.

مجسمه‌ها کشف می‌شوند

پس از ۳۰۰ سال دیرینه‌شناسان به حفاری محل برداختند. آنها پس از کندوکاو توансند، برخی از مجسمه‌ها و صنایع دستی را که از تاراج حوادث در امان مانده بود، کشف کنند. در این میان مجسمه‌هایی غول پیکر یافت شد که باستان‌شناسان معتقدند به شاه و ملکه‌اش تعلق دارد. در سال ۱۸۵۷ این یافته‌ها به

موزه‌ای در لندن منتقل شد و همچنان

در معرض تماشای عموم قرار دارند.

پس از آن نیز حفاری‌های دیگری در محل

انجام گرفت، به نحوی که امروزه فقط چند قطعه‌ستون سنگی در محل باقی مانده است. جهانگردانی که به شهر بوردورم ترکیه می‌روند از محل بازدید می‌کنند.



مجسمه شیر بالا متعلق به گنجینه‌های موزه انگلستان است و از خرابه‌های موزولوم اکتشاف شده است.

موزولوس یکی از فرمانداران امپراتوری ایران بود. او در سال‌های ۳۷۷ تا ۳۵۳ قبیل از میلاد برکاریا که جزیی از قلمرو ایران بود، حکمرانی می‌کرد. پایتخت کاریا شهری بنام هالیکارناسوس بود که امروزه یک شهر توریستی در ترکیه به نام بودروم است.

موزولوس پس از پدرش به عنوان فرمانروا به حکومت رسید. اما پس از مدتی اعلام استقلال کرد و از حکومت ایران سریچی نمود.

آرامگاه اصلی

موزولوس با آرتمیس ازدواج کرد. به تدریج برقدرت این فرمانروا افزوده می‌شد؛ تا آنکه تصمیم گرفت برای خود و ملکه‌اش مقبره‌ای بسازد. البته این یک آرامگاه عumولی نبود. موزولوس اثری

باشکوه را می‌خواست تا بدین طریق قدرت و شوکت او را

حتی بعد از مرگ به رخ آیندگان بکشد. قبیل از اتمام مقبره

موزولوس از دنیا رفت. بعد از او

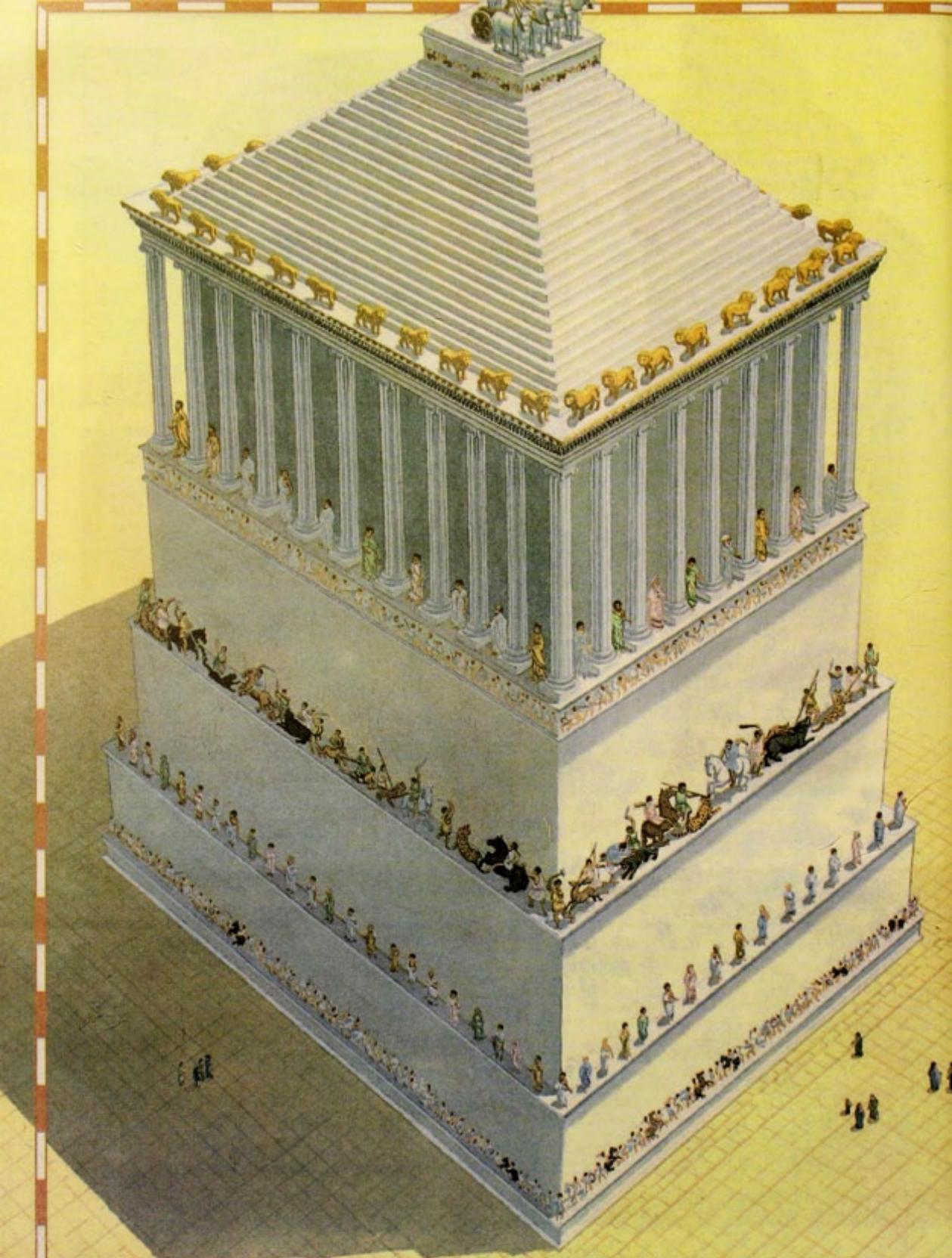
بیوه‌اش ساخت مقبره را

سرپرستی کرد. حدود ۲۲۵۰

سال قبیل کارساختمن مقبره تکمیل شد. به یادبود شاه، مقبره را موزولوم نام نهادند. از همین رو هنوز هم مقبره‌های بزرگ باشکوه را موزولوم می‌نامند.

شیرهای نگهبان مقبره

جنazole زوج سلطنتی را در یک جعبه طلایی در قاعده اصلی ساختمن دفن کردند. برای نگهبانی از مقبره یک ردیف مجسمه شیر ساخته شد. در بالای سنگ‌های محکم مقبره، ساختمن شیبه به معابد یونانی‌ها برپا شده بود. این معبد با مجسمه و ستون‌هایی پرشکوه زینت گرفته بود. بالاترین بخش ساختمن، یک هرم پله پله بود.



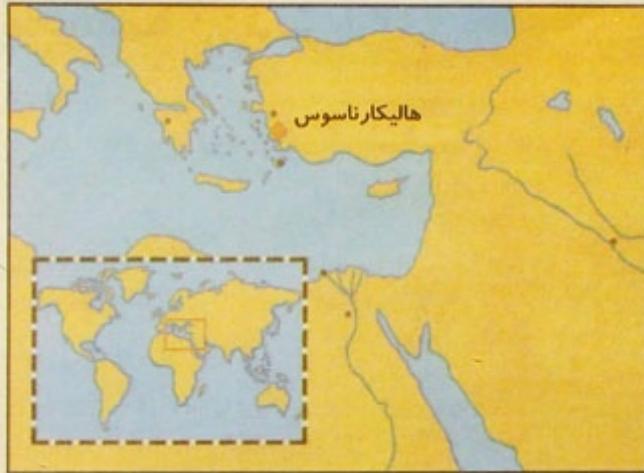
یکی از اسب‌هایی که
کالسکه بالای ساختمان
را به دنبال خود
می‌کشیده استد.
دهنه اسب از
جنس برتر
است.



این سر مرمرین متعلق به یکی از
خدايان افسانه‌ای یونان قدیم است. او
آپولو نام داشته و برادر دوقلوی آرتمیس
بوده است. براساس افسانه‌ها او الله
موسیقی، تیراندازی و شنا بوده است.
این مجسمه نیز از ویرانه‌های آرامگاه
مزولوس به دست آمده است.

این مجسمه غول
بیکر در طی حفاری
به دست آمده است.
باستان‌شناسان
معتقدند که این
مجسمه‌ای از شاه
مزولوس است.





این مجسمه
غول بیکر نیز از
ویرانه‌های موزولوم
بدست آمده است و
احتمالاً متعلق به
ملکه ارتمیسا
می‌باشد.



قطعاتی سنگی و قسمت‌هایی از ستون‌ها، همه آن چیزی است که از بنای
باشکوه موزولوم در ترکیه امروزی باقیمانده است.

این لوحة سنگی از موزولوم
یافت شده است. در این
لوحة داستانی از نیورد
یونانی‌ها و گروهی از زنان
جنگجو (معروف به آمازونی)
به تصویر کشیده شده
است. احتمالاً سنتکتراسن
به نام اسکوباس این
تصاویر را کنده‌کاری کرده
است. او در بیان احساسات
و انتقال مفاهیم،
صنعتگری ماهر
بوده است.



مجسمه رودس

بر فراز بندرگاه

اسکلت مجسمه از جنس آهن بود و پوسته بیرونی مجسمه را با صفحاتی از برنز پوشانیده بودند. مجسمه در روی زمین ساخته شده بود و داخل آن را با ستگ پر کرده بودند بهمین دلیل محکم ایستاده بود.

مجسمه کولوسوس در حدود ۲۸۰ سال قبل از میلاد مسیح به انعام رسید. مردم قرن‌ها می‌پنداشتند که مجسمه کولوسوس

مانند تصویر روبرو، بر فراز دهانه ورودی بندرگاه رودس قد برآفرانشته بوده است. اما اکنون می‌دانیم که چنین چیزی غیرممکن است؛ زیرا دهانه بندر ۴۰۰ متر عرض

داشته است و مجسمه تا این حد غول پیکر نبوده است که بتواند ۴۰۰ متر فاصله را پوشش دهد.

از نوشتہ‌ها برمی آید که مجسمه در قلب شهر، رو به طرف دریا و بندرگاه ایستاده بوده است.

سقوط مجسمه

تقریباً ۵۰ سال از تکمیل مجسمه گذشته بود (سال ۲۲۶ قبل از میلاد مسیح) که در اثر وقوع

یک زلزله، مجسمه از زانو شکست و تنہ مجسمه سقوط کرد. مردم رودس مجسمه را در همان حال

افتاده رها کردند؛ زیرا یک پیشگو آنها را از بازاری مجسمه بر جادر داشته بود.

به مدت ۹۰۰ سال مجسمه بر روی زمین افتاده بود و بازدیدکنندگان برای تماشای ویرانه باقیمانده از مجسمه خدای خورشید به رودس سفر می‌کردند. ۶۵۴ سال بعد از میلاد یکی از پادشاهان سوری، رودس را تسخیر کرد و صفحات برنزی مجسمه را به یغما برداشت. کوینت او برنزها را بر پشت ۹۰۰ شتر به سوریه حمل کرد. پادشاهان سوری بخشی از برنزها را به فروش رساندند و با بقیه برنزها احتمالاً سکه ضرب شده است.

کولوسوس مجسمه غول پیکری بود که در شهر بندری رودس در دریای اژه در محل ترکیه امروزی قرار داشت. مردمان این شهر در زمانهای قدیم به تجارت و بازرگانی اشتغال داشتند. اگر چه آنها سعی می‌کردند خودشان را از درگیری‌های ملت‌های مختلف دور نگه دارند و فقط به کسب و کارشان پردازند، اما با این وجود بازها به جنگ آلوه شدند.

هلیوس خدای خورشید

تقریباً ۲۳۰ سال قبل مردم رودس به مناسبت

یک پیروزی جشنی را بر با کردند. سربازان یونانی به مدت یک سال این جزیره را

محاصره کرده بودند؛ اما دفاع شجاعانه رودسی‌ها، یونانیان را قاتع کرد که بختی برای پیروزی ندارند. یونانی‌ها در هنگام

عقب‌نشینی، ابیوهی از تجهیزات و لوازم خود را در منطقه رها کردند و خود پا به فرار نهادند.

پس از آن مردم رودس که تصور می‌کردند

در تمام مدت محاصره هلیوس خدای خورشید از آنها محافظت کرده است، تصمیم گرفتند

غنیمت‌های یونانیان را بفروشند و به افتخار هلیوس، مجسمه او را برپا کنند.

مجسمه برنزی کولوسوس

هیچکس نمی‌داند که مجسمه به چه شکل بوده و در کجا قرار داشته است. تنها چیزی که روشن است آن است که این

مجسمه از جنس برنز و به ارتفاع ۲۳ متر بوده است.

طراحی مجسمه را مهندس آرشیتکت بنام چارس انجام داده بود و ساخت آن ۱۲ سال به طول انجامید.





گفته می شود مجسمه کولوسوس بر فراز ستونی قرار داشته و با دست راستش مشعلی را بلند کرده بوده است. اگر چنین چیزی حقیقت داشته باشد، به مجسمه از آدی که امروزه در بندر نیویورک قرار دارد، شاهت زیادی داشته است. مجسمه از آدی که معروف‌ترین نشانه آمریکا می‌باشد، هدیه مردم فرانسه به مردم آمریکا است.

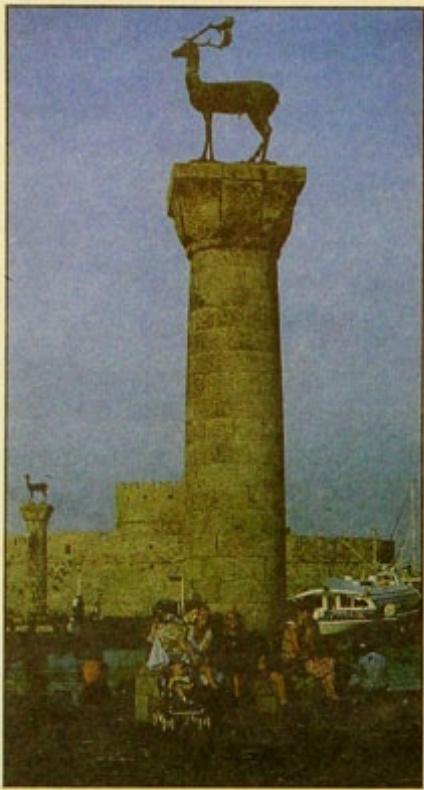


دیمتریوس همان فرماندهای است که رودس را محاصره کرده بود. او زنالی یونانی بود که فرماندهی نیروهای یونانی در هنگام محاصره رودس را بر عهده داشت.

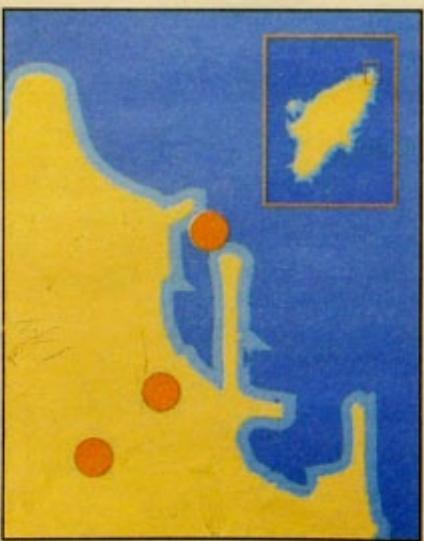


دیمتریوس با ۲۰۰ کشتی جنگی و ۴۰ هزار سرباز مه رودس حمله کرد. یونانی‌ها از کشتی‌های جنگی مختلفی استفاده می‌کردند که مشهورترین آنها تریرم نام داشت. این گونه از کشتی‌ها در هر طرف سه ردیف پارو داشتند. کشتی تصویر روپرتو را برای نشان دادن طرز قرار گیری پاروها بازسازی کردند. عرشة مسطح کشتی محل مبارزة سربازان با دشمن بود.





امروزه مجسمه‌های برنزی متعددی از گوزن روی ستون‌های در ورودی بندر رودس قرار دارد. مردمان بندر رودس (که آنکوین بخشی از یونان امروزی می‌باشد) گوزن را به عنوان نشانه ملی برگزیده‌اند.



نقشه شهر رودس که در آن ۳ مکانی که احتمالاً مجسمه کولوسوس قرار داشته است، نشان داده است؛ ورودی بندرگاه، نزدیک بندر یا مرکز شهر.

این سرمهعلق
به مجسمه
هلپوس است.
احتمالاً میله‌های
فلزی در سوراخ‌های
که لابه‌لایی موهای این
الله تعییه شده بود، قرار
می‌گرفته است. این میله‌ها
اشده‌های خورشید را برای
بیتندگان تداعی می‌کرد.

یک طرح یونانی کنده‌کاری شده که کشتی‌های تریم را نشان می‌دهد. هر کشتی جنگی ۷۰ پاروزن داشت که فقط مردانی که روی قسمت بالایی قرار داشتند می‌توانستند آب دریا را بینند.



فانوس دریایی اسکندریه

نور راهنمای

بالاترین برج به شکل استوانه بود و آتشی در آن می‌سوخت که قایق‌ها را با اطمینان کامل به سوی بندرگاه هدایت می‌کرد. در بالای ساختمان مجسمه‌ای از زنوس که الهه نجات دهنده پنداشته می‌شد، نصب شده بود. در مجموع ارتفاع فانوس ۱۱۷ متر بود.

آینه‌های برنزی صیقلی

برای روش نگه داشتن آتش مقدار زیادی سوخت لازم بود چوب را با ارایه هایی که اسب یا قاطرها آن را می‌کشیدند

از سطح شبیدار و مارپیچ بالا می‌بردند. صفحاتی بررنزی که در پشت آتش قرار داشت نور را به

سمت دریا منعکس می‌کرد. حتی کشته‌هایی در فاصله بیش از ۵۰ کیلومتر نیز می‌توانستند

نور فانوس را ببینند. عاقبت در قرن دوازدهم بعد از میلاد در بندر اسکندریه به قدری گلولای

انباشته شده بود که دیگر کشته‌ها نمی‌توانستند به بندرگاه نزدیک شوند. از همین رو دیگر کسی به فکر

تعمیر و نگهداری فانوس نبود. حتی صفحات برنزی که به عنوان آینه عمل می‌کردند ذوب شد و با آن سکه ضرب

کردند. در نهایت زلزله‌ای ویرانگر در قرن چهاردهم میلادی ساختمان فانوس را به کلی نابود کرد. چند سال بعد سربازان

مسلمان در ویرانه‌های فانوس یک در نظامی ساختند که از آن تاریخ تاکنون بارها بازسازی شده است و همچنان پا

بر جاست. به جز این قلعه که در محل نخستین جراغ دریایی

جهان ساخته شده است، هیچ اثر دیگری از فانوس دریایی باقی نمانده است.

سه قرن قبل از میلاد مسیح، در بندر اسکندریه ساختمانی را بنا کردند تا کشتی‌ها بتوانند به کمک آن به بندر وارد شوند. این ساختمان در جزیره‌ای بنام فاروس بنا شده بود، از همین رو به آن فاروس یا فانوس اسکندریه می‌گفتند. شب هنگام از بالای ساختمان زبانه‌های آتش به هوا شعله می‌کشید و روزها ستونی از دود به آسمان پر می‌خواست تا کشتی‌ها بدون خطر برخورد به جزیره‌های سنگی کوچک در بندر اسکندریه پهلو بگیرند. این ساختمان نخستین فانوس دریایی جهان بود که مدت ۱۵۰۰ سال پابرجاماند.

جزیره و فانوس دریایی

فانوس دریایی در روی جزیره کوچک

فاروس در دریای مدیترانه ساخته شد. بندر پررفت و آمد اسکندریه

را اسکندر کبیر در هنگام بازدید از مصر بنا نهاد. جزیره فاروس در نزدیکی همین بندر بود. ساخت این بناء ۲۰ سال به

طول انجامید و در حدود ۲۸۰ سال قبل از میلاد مسیح در هنگام سلطنت پادشاه پтолمی دوم تکمیل شد.

بعد از آن تاریخ هر جراغ راهنمای دریایی را به نام جزیره فاروس نامیدند. امروزه ما نیز به آن فانوس دریایی می‌گوییم.

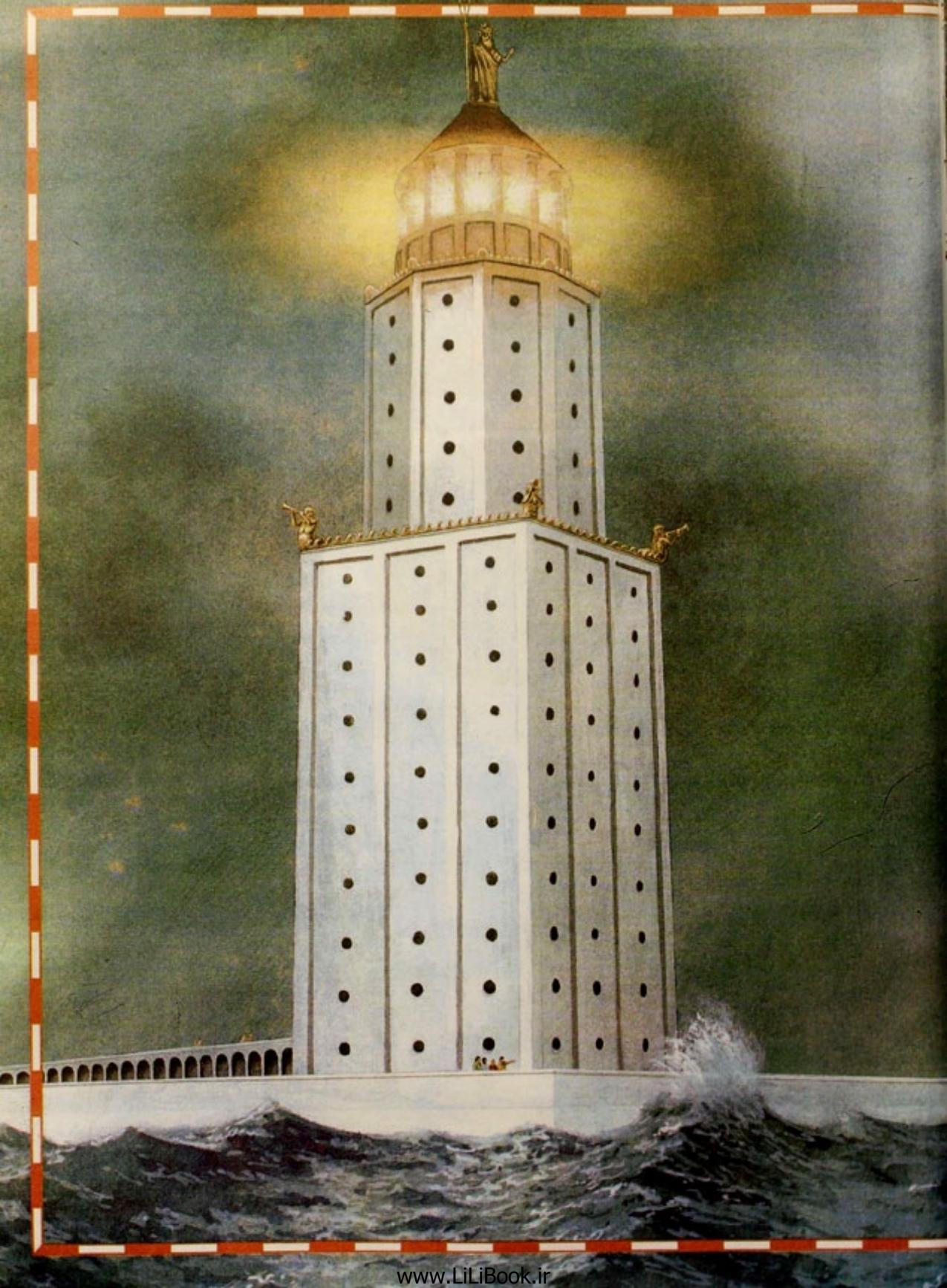
ساخته‌مانی با ۳ برج

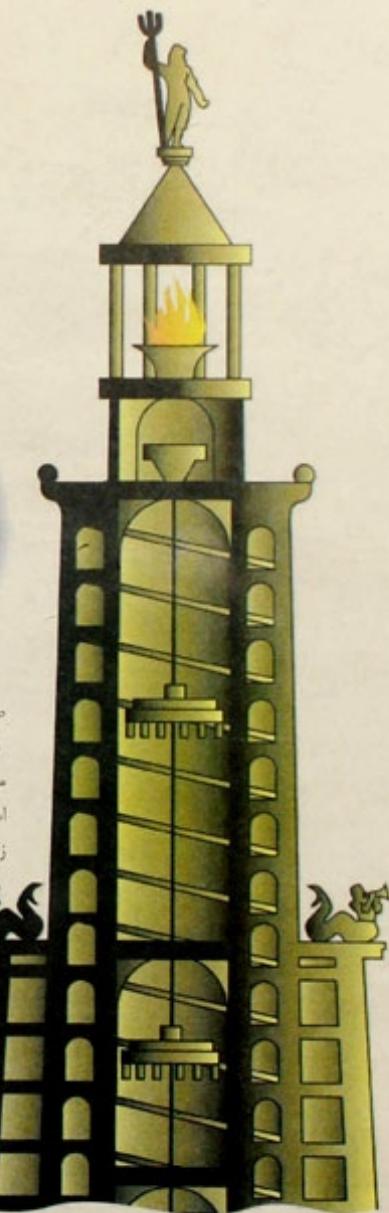
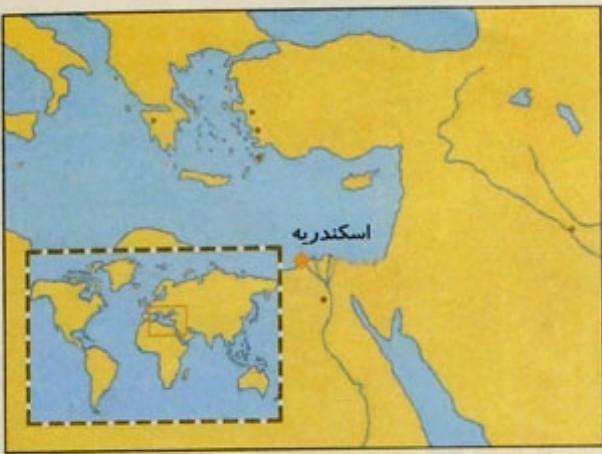
فانوس دریایی فاروس دارای سه برج مرمرین بود که در روی پایه‌ای سنگی ساخته شده بود. اولین برج چهارگوش

بود و برای زندگی کارگران و سربازان در آن تعداد زیادی اتاق ساخته شده بود. در بالای آن برجی کوچکتر

به شکل هوجوی بود که با پله هایی مارپیچ به برج بالایی می‌رفته.







این سکه که متعلق به قرن دوم بعد از میلاد است، تصویری واضح از بنجره‌های قسمت بزرگ پایین ساختمان را به نمایش گذاشته است.

طرح روی سکه‌های رمی به ما نشان می‌دهد که فانوس دریایی چه شکلی بوده است. در اینجا کشش را می‌بینید که از تزدیک فانوس دریایی عبور می‌گردد. است. امروزه لغت فاروس (یا فانوس) در بسیاری از زبان‌ها به معنی چراغ دریایی به کار می‌رود.



الله محافظ کشتیرانان ایلیس، محافظ کشتیراناتی که در اطراف فاروس عبور می‌گرد، او یکی از الهه‌های مصر بود.



در این تصویر طرحی را مشاهده می‌کنید که ساختمان داخلی فانوس را نشان می‌دهد. آتش در بالای ساختمان بر افروخته بوده و یک سلطح شبیدار مارپیچ مسیر عبور به قسمت‌های بالایی فانوس بوده است.



پادشاه مصر، پтолمی دوم
(۳۰۹ - ۲۴۶) قبل از میلاد.
در زمان حکومت او
مصر ثروتمند و قوی بود.



نقشه اسکندریه باستان در بین سال‌های ۱۰۰
قبل از میلاد و ۱۰۰ بعد از میلاد. جزیره فاروس
بعدها با ساخت یک گذرگاه به خشکی پیوست.



در زمان رومی‌ها اسکندریه شهر مهمی بود. این ستون را که ستون یومیشی
نامیده‌اند و مجسمه ابوالهولی که در نزدیکی آن است، همه چیزی است که از
دوران رومی‌ها باقی مانده است.



یک ظرف قدیمی شبیه به فاتوس که در آن
عود و اسفند سوزانده می‌شد. اغلب، این مواد
خوشبو را در مراسم مذهبی دود می‌کردند.

